# خوئینی

## یکی از لهجه‌های آذری

منوچهر ستوده

واژه‌نامه‌ای که درین صحایف بدست داده میشود ازلهجهٔ خوئینی است که یکی از لهجه‌های آذری بشمارمیرود .

درگردآوری این واژه‌نامه آقای دکتر احمد قنات‌آبادی درهنگام مأموریت بآن صفحات اقدام کرده‌اند . اطلاعاتی که درزیر مربوطبه‌ناحیت مذکور چاپ میشود منقول ازمکتوبی‌است که ایشان مرقوم داشته‌اند .

☆☆☆

خوئین‌دهی‌است که‌تقریباً درشصت کیلومتری‌جنوب‌غربی زنجان کنار یکی از شعب رودخانهٔقزل‌اوزن ( = سفیدرود ) قراردارد . این‌ده دارای دره‌های با صفا ومناظرطبیعی زیبا ست . ساکنین این‌ده غیراززبان ترکی که زبان‌رایج‌این‌صفحات‌است بلهجه‌ای دیگر که یکی‌ازلهجه‌های آذری است گفتگو میکنند . دهات اطراف این‌ده نیز کم‌وبیش‌بااین‌لهجه آشنائی دارند .

دامنهٔ واژه‌های این لهجه نسبةً وسیع و درخور بررسی ومطالعهٔ دقیق است . اینک‌برای شناساندن این لهجه صدوپنجاه واژه ویک ترانه ازاین لهجه را دراینجا بطبع میرسانیم .

## اعداد

اوله ـ *ulle* : یك .
دو ـ *dev* : دو.
سه ـ *se* : سه.
چوور ـ *čuvor* : چهار.
پنج ـ *penj* : پنج.
شیش ـ *šiš* : شش.
هفت ـ *haft* : هفت.
هشت ـ *hašt* : هشت.
نه ـ *nah* : نه.
ده ـ *deh* : ده.
یانزده ـ *yānzdeh* : یازده.
دووانزده ـ *duvānzdeh* : دوازده.
سینزده ـ *sinzdeh* : سیزده.
چوورده ـ *čuvardeh* : چهارده.
پوانزده ـ *puanzdeh* : پانزده.
شوانزده ـ *šuanzdeh* : شانزده.
هوده ـ *havdeh* : هفده.
هژده ـ *hažđeh* : هیجده.
نزده ـ *nezdeh* : نوزده.
ویست ـ *vist* : بیست.
سی ـ *si* ; سی.
چل ـ *čel* : چهل.
پنجو ـ *penjo* : پنجاه.
شصت ـ *šast* : شصت.
هفتاد ـ *haftād* : هفتاد.
هشتاد ـ *hašţād* : هشتاد.
نود ـ *navad* : نود.
سی ـ *say* : صد.
هزار ـ *hezār* : هزار.

## اعضاء وقسمتهای بدن

ابر ـ *abr* : ابرو.
چی ـ *čey* : پستان.
گری ـ *gery* : قفا.
سیمیل ـ *simyal* : [illegible]
نویه ـ *noyah* : [illegible]
روك ـ *revek* : رو[illegible]
تویل ـ *tavil* : پیشانی.
شونه ـ *šonah* : شانه.
انگله ـ *angela* : بازو.
زنك ـ *zonck* : زانو.
دیم ـ *dim* : صورت.
گلك ـ *gelek* : چشم.
گوش ـ *guš* : گوش.
ونك ـ *venek* : بینی.
دن ـ *dan* : دهن.
دس ـ *das* : دست.
لنگ ـ *leng* : لنگ.
پیزه ـ *pizah* : شکم.
دندن ـ *dandon* : دندان.
زوون ـ *zuvon* : زبان.
کله ـ *kella* : سر.
مو ـ *mu* : مو.
انگوشته ـ *angušta* : انگشت.

## رستنیها

خندکار ـ *xendekār* : هندوانه.
کالوك ـ *kālök* : خربوزه.
سف ـ *sef* : سیب.
گندم ـ *gandem* : گندم.
گو ـ *gev* : جو.
گوارس ـ *guars* : ارزن.
میجك ـ *mijek* : عدس.
نیه ـ *neyah* : نخود.
دبنت ـ *dabent* : باقلا.
کو ـ *ko* : سبزی.
علف ـ *alaf* : علف ، سبزه.
در ـ *dar* : درخت .

# واژه‌های مختلف

ننگو ـ nangu : ناخن.
پوسته ـ pustah : پوست.
پوجار ـ paujār : کفش.
خالو ـ xālu : لباس.
شگ ـ geg : پیراهن.
شلور ـ galvor : شلوار.
گراوه ـ gerāva : جوراب.
خالی ـ xāli : قالی.
لیف ـ lif : لحاف.
بلشمه ـ bolgema : بالش ـ متکا.
خك ـ xok : خاك.
کلو ـ klu : کلوخ.
قزقان ـ qazqān : دیگ.
اتش ـ otag : آتش.
ملکه ـ malaka : ملاقه ، ملعقه.
کسه ـ kosa : کاسه .
خوارش ـ xoārg : خورشید.
اشیمه ـ ogima : ماه.
ستوره ـ setora : ستاره.
فرو ـ foru : رعدوبرق.
سبه‌زه ـ sebeze : پدرسگ.
اگ ـ ag : تخم‌مرغ.
انگون ـ angun : عسل.
کرگ ـ karg : مرغ.
قروسك ـ qorusk : خروس.
زراج ـ zarāj : کبك.
ملجیك ـ maljik : کنجشك.
رون ـ rovan : روغن.
شت ـ get : شیر.
ساگنه ـ sāgene : سایه.
تراکی ـ terāki : تاریکی.
اندمی ـ andami : سردی.
ادونی ـ odoni : آبادی ، ده.

مره ـ mara : موش.
قروشك ـ qarušk : خرگوش.
ورگ ـ varg : گرگ.
لووسك ـ lovusk : روباه.
ولگ ـ valg : برگ.
ولو ـ valu : ادرار.
چی ـ či : چیز.
بون ـ bun : باد.
ورن ـ voron : باران.
ور ـ var : برف.
ترگسته ـ tergasta : تگرگ.
ترفنگ ـ terfang : تفنگ
بره ـ bara : بیل.
گوژد ـ gužd : گوشت.
کوشدگ ـ kušdeg : کمربند.
جبه ـ jeba : قبا.
شمیج ـ šemij : شپش.
ارگه ـ arga : سیاب .
ارگوان ـ argavān : آسیابان .
برو ـ bero : برادر.

خو ـ xo : خواهر.
زیله ـ zeyla : پسر.
موزه ـ muza : مگس.
دلتك ـ deltek : دختر.
ژنك ـ žanek : زن.
مرد ـ merd : مرد.
ویگ ـ veyg : عروس.
ویوه ـ veyva : عروسی.
مگو ـ mego : ماده‌گاو.
کلك ـ kelek : گربه.
سبه ـ seba : سگ.
زاما ـ zāmā : داماد.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

## افعال

کارسته - *kāreste* : کاشته.
کووبداره - *ko vo bedāre* : سبز شده.
خوآی - *xoāy* : خوردن.
دکای - *dakāy* : پوشیدن.
شئه - *še-e* : رفته.
امه - *ome* : آمده.
وینده - *vinde* : دیده.
گپ کای - *gabkāy* : گپ زدن.
گوش ارشای - *guš aršāy*: گوش کردن.
ارگاته - *argāte* : خریده.
ادی - *odey* : فروختن.
خوانده - *xo-ande* : خوانده.
زنده - *zande* : زائیده.
انکشده - *ankešde* : دیده.
انته - *ente* : نوشیده.
انشته - *anšte* : نشسته.
وررنه - *vararne* : کرده، انجام داده.
نوسته - *naveste* : گردش کرده.

کجرك - *kejerek* : خندیده.
برم بسته - *berem beste*: گریه کرده.
ارکوسته - *arkuste* : زده.
کارسته - *kāreste* : کاشته.
آموتره - *āmotare* : یادداده
پتره - *patare* : پخته.
کری داره - *keridāre* : کشیده.
دجستره - *dajestare* : دردمیکند.
فرودمستره - *foru damestare* : برق میزند.
مرز - *marz* : مگذار.
رو - به - *ro - ba* : زود باش.
کیفی سینه - *keyfi seyne* : حالت چطوراست ؟
نزی - *nozi* : خوب است.
خته - *xotte* : خوابیده.
وتی - *voti* : بلندشد.

## ترانه ای بلهجهٔ خوئینی

شیمه وین دیمه خنك دره

*šime vin dime xonek dare.*

رفتم دیدم سرچشمه است.

دسته دیمشه شوسته دره

*daste dimeše šuste dare*

مشغول شستن دست و رویش است.

طلائینه گوشواره کوششه دره

*talāine gušvore gušeše dare.*

گوشوارهٔ طلائی بگوشش دارد

*xeyri bebuke xonek išde.*

خوشا بحالت ای چشمه.